

## خطبه های پر مخاطب

زهرا دریاوش

را در صورت عدم رضایت مردم میسر ندانست و به بیانی دیگر، مقبولیت نظام و اتمام حجت تنها بدست مردم است. ” مطهری در مجموع خطبه های هاشمی را ” در جهت ایجاد آرامش و مکمل بیانات رهبری ” ارزیابی کرد.

محمد رضا باهنر، دیگر چهره دست راستی حامی هاشمی رفسنجانی در روزهای اخیر بود. باهنر با بیان اینکه سخنان هاشمی ” برای جامعه آرامش بخش بود و مردم را به وحدت دعوت می کرد ”، در باب پیشنهادهای هاشمی گفت: ” برخی صحبت های رفسنجانی را که در رابطه با آزادی زندانیان بود ما هم قبول داریم، اما تعدادی از این زندانیان ممکن است جزو محورهای اصلی اغتشاش، توطئه و طراحی باشند. قاعدتاً وی هم نظرش آزادی آن زندانیان نبود، اما افرادی که در جمعیت دستگیر شدند طبیعی است که باید هرچه زودتر آزاد شوند و ما هم موافق هستیم. این که همه زندانیان را آزاد کنند شاید یک مقدار به احتیاط نزدیک نباشد و ای کاش زندانیان را تفکیک می کردند. ” به گفته باهنر، هاشمی در سخنرانی خود ” قدرت های خارجی را از اختلافاتی که در داخل کشور پیش می آید ناامید کرد ” و ” در مجموع سخنان وی مثبت بود. ” تاکید باهنر بر این نکته که هاشمی در سخنرانی خود قدرتهای خارجی را از اختلافات داخلی ناامید کرد، شاید به این دلیل بود که باهنر پیشاپیش می خواست از طرح این نکته از سوی راستگرایان رادیکال جلوگیری کند که چرا هاشمی در خطبه های نماز جمعه، سختی در باب دشمن و مواضع رسانه های خارجی دشمنان نظام جمهوری اسلامی به زبان نیاورد.

اما تاثیرگذارترین حمایت از هاشمی راه به لحاظ عاطفی، اعظم طالقانی به عمل آورد. دختر آیت الله طالقانی، با یادآوری منش پدر خویش، درباره خطبه های نماز جمعه به امامت هاشمی رفسنجانی گفت: ” مرحوم طالقانی نسبت به تضييع حقوق مردم بسیار حساس بود و در طول دوران حیات خود بارها نشان داد که از حق دفاع کرده است، سخنان آقای هاشمی هم در نماز جمعه بی شباهت با اولین نماز جمعه تهران نبود به همین دلیل برای خود من تداعی کننده آن ایام بود. ”

در میان روحانیان، مجید انصاری به شدت از سخنان محمد یزدی در نقد هاشمی، انتقاد کرد و اظهارات یزدی را مصداق تیشه به ریشه انقلاب زدن و بر سر شاخ نشستن و بن بریدن دانست. سید حسین موسوی تبریزی، دبیر کل مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم نیز درباره سخنان هاشمی چنین اظهار نظر کرد: ” امروز کمترین کاری که دلسوزان نظام برای برون رفت از شرایط کنونی کشور می توانند انجام دهند عمل به راهکارهایی است که از سوی آقای هاشمی رفسنجانی مطرح شده است. ” محمد غروی، عضو ارشد جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز خطبه های هاشمی را نشانه تقوای بالای وی دانست و در این باره گفت: ” بحث ایشان معطوف به آسیب شناسی انقلاب بود با اینکه می دانیم خود هاشمی رفسنجانی در این وقایع آسیب دیدند اما اگر به خطبه ها دقت می شد متوجه می شدیم که وی خارج از این مسایل است و این امر نشانگر تقوای بالای هاشمی بود. ” در مجموع به نظر می رسد سخنان



که الفبای مشروعیت در نظام ولایت فقیه را به هاشمی تعلیم دهد و بر این نکته تاکید کند که مردم در حکومت دینی، منبع مشروعیت حکومت نیستند. اما سخنان یزدی بی پاسخ نماند. ابتدا علی مطهری، که چند سالی است از چهره های تاثیرگذار جناح راست به شمار می رود، در دفاع از هاشمی وارد میدان شد. مطهری در خصوص پیشنهاد آزادی بازداشت شدگان حوادث اخیر و نیز سایر پیشنهادهای هاشمی گفت: ” پیشنهادهای هاشمی رفسنجانی برای عبور از وضعیت فعلی مانند تسریع در آزادی بازداشت شدگان و رسیدگی به خانواده های آسیب دیدگان و همچنین بازسازی فضای گفتگو در صدا و سیما برای طرفین ماجرا بسیار راهگشا خواهد بود. ” وی در انتقاد از یزدی گفت: ” هر کسی به عنوان یک شهروند ایرانی می تواند چنین پیشنهادهای را برای بهبود اوضاع مطرح نماید چه رسد به خطیب نماز جمعه تهران، آنهم زمانی که خبری مبنی بر بدرفتاری با بازداشت شدگان را می شنویم، بنابراین انتقاد یزدی به هاشمی رفسنجانی وارد نیست. ” فرزند شهید مطهری در باب انتقاد یزدی از نحوه تبیین مساله مشروعیت حکومت دینی در سخنان هاشمی نیز چنین گفت: ” البته سخنان یزدی مبنی بر اینکه مشروعیت نظام جمهوری اسلامی از ناحیه پروردگار و پیامبر و مقبولیت آن در گرو رضایت مردم است، حرف صحیحی است. اما بایستی به این موضوع نیز توجه نماییم که سخنان هاشمی نافی این مسئله نبود، چرا که هاشمی هیچگاه نگفت که مشروعیت نظام از ناحیه مردم است بلکه وی تحقق و ادامه حکومت

▲ اکبر هاشمی رفسنجانی برای بسیاری از ایرانیان، لااقل تا پیش از این، نماد نظام جمهوری اسلامی و یکی از مردان اصلی قدرت در ایران پس از انقلاب به شمار می رفت؛ سیاستمداری که همواره در پشت پرده، کنترل بازیگران صحنه سیاست را در دست داشت؛ آنها را به هنگام، وارد نمایش قدرت می کرد و به گاه ضرورت کنار می نهاد. افسانه قدرت هاشمی، لااقل تا پیش از این، در تار و پود ذهن و ضمیر بسیاری از ایرانیان رخنه کرده بود. اما ورود محمود احمدی نژاد به عرصه سیاست در جامعه ایران، آغاز پایان این افسانه بود. در دو انتخابات ریاست جمهوری اخیر، راستگرایان رادیکال جامعه ایران، در نقد هاشمی هر آنچه که خواستند گفتند و هاشمی نیز جز شنیدن سخنان و دیدن نقش آفرینی آنان، کار دیگری نتوانست بکند. این روزها بسیاری از دیرباوران جامعه ایران نیز دیگر پذیرفته اند که سررشته امور سیاست این دیار در دست هاشمی نیست. چه هاشمی دیگر ” از موضع قدرت ” سخن نمی گوید اولین نماز جمعه هاشمی در روزهای پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، همچون آخرین نماز جمعه هاشمی در روزهای پیش از انتخابات ریاست جمهوری هفتم، نماز جمعه ای تاریخی بود. هر چند که برخی از راستگرایان رادیکال معتقدند که هاشمی در ۲۵ تیر ماه ۸۸ آخرین نماز جمعه خویش را اقامه کرد و برای آخرین بار از این تریبون با مردم سخن گفت، ولی حتی اگر چنین هم شده باشد، این دو نماز جمعه یک وجه مشترک اساسی داشتند و آن هم تاکید هاشمی بر پاسداری اعتماد مردم به نظام جمهوری اسلامی بود. در اردیبهشت ماه ۷۶ هاشمی هشدار داد که مبادا با دست بردن در آراء مردم، اعتماد آنان به نظام را مخدوش کنید و در تیر ماه ۸۸ نیز با ذکر این نکته که اعتماد مردم به نظام مخدوش شده است، احیاء این اعتماد را به صاحبان اصلی قدرت توصیه کرد.

سخنان هاشمی در نماز جمعه اخیر، واکنشهای فراوانی در فضای سیاسی کشور برانگیخت. در خارج از کشور، رسانه های خارجی این سخنان را نشانه تداوم اختلافات سیاسی در سطوح فوقانی قدرت در نظام سیاسی ایران قلمداد کردند. این تحلیل زمانی تقویت شد که آیتالله محمد یزدی، عضو بلندپایه مجلس خبرگان رهبری، به گونه ای شدیدالحن به انتقاد از هاشمی پرداخت. یزدی از هاشمی انتقاد کرد که چرا در خطبه های نماز جمعه، خواستار آزادی زندانیان سیاسی می شود. شیخ محمد یزدی همچنین ضروری دید

## نیم نگاهی به آینده سیاسی موسوی پوست اندازی سیاسی

گروه سیاسی



▼ بازگشت میر حسین موسوی به عرصه سیاست، شرایط تازه ای را در نظام جمهوری اسلامی پدید آورد. مهندس موسوی پیش از این دو بار در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۴ با دعوت نیروهای جناح چپ برای کاندیداتوری در انتخابات مواجه شده بود اما هر دو بار پس از تدقیق و تامل در فضای سیاسی کشور، ماندن در خانه عزلت را به آمدن در صحنه سیاست ترجیح داد. اما وی در زمستان سال قبل، در شرایطی که خاتمی نیز کاندیداتوری خود در انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کرده بود، بر خلاف انتظار عموم اصلاح طلبان، وارد گود انتخابات شد تا با حریف قدر دست راستی خود زورآزمایی کند. گویی که موسوی پیشاپیش می دانست کارزاری که در پیش است، کارزاری نیست که خاتمی توان نقش آفرینی در آن را داشته باشد. راست رادیکال، پس از سالها انتظار، چهار سال بود که سکان قوه مجریه را به دست گرفته بود و طبیعی بود که نخواهد خروجی زود هنگام از کشتی قدرت داشته باشد. راست گرایان رادیکال در دوران ریاست جمهوری خاتمی بارها دولت وی را گرفتار چالش و بحران کرده بودند و خاتمی علیرغم در اختیار داشتن ریاست قوه مجریه و برخورداری از

اکبر هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، در چهار سطح بازتاب مثبت داشته است. این سطوح چهارگانه عبارتند از: عموم مراجع تقلید و پاره ای از روحانیان سیاسی بلندپایه (بخصوص روحانیان عضو مجلس خبرگان)، عقلا (غیر روحانی) جناح راست، تشکل های سیاسی اصلاح طلب و عموم شهروندان دموکراسی خواه. بدون تردید فشار جریان راست رادیکال بر هاشمی رفسنجانی در روزها و ماه های آینده افزایش خواهد یافت. ایستگاه مطلوب راست رادیکال از حرکت در مسیر "افزایش فشار بر هاشمی"، استعفا یا برکناری وی از ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و در صورت امکان نشان دادن فرد دیگری به ریاست مجلس خبرگان در انتخابات آتی این مجلس است. البته این همه در صورتی است که راست رادیکال بخواهد حفظ ظاهر کند و راه های قانونی را برای ستاندن مناصب سیاسی هاشمی و درافکندن وی به ورطه "سقوط" سیاسی طی کند. اکبر هاشمی رفسنجانی را بسیاری از دیرباز "استوانه نظام" می دانستند. هاشمی اکنون دیگر در هسته مرکزی قدرت در نظام جمهوری اسلامی قرار ندارد. آیا به راستی وی را باید هنوز هم استوانه نظام قلمداد کرد؟ گروهی معتقدند پاره ای از راستگرایان رادیکال احتمالاً در صدد آنند که هاشمی را به سرنوشت آیت الله منتظری دچار کنند. اما آیا هاشمی منتظری دوم نظام جمهوری اسلامی می شود؟ در مقابل تمایل جریان راست رادیکال به "منتظری سازی" از هاشمی رفسنجانی، شاید باید این نکته را به سران این جریان گوشزد کرد که لقب "استوانه نظام" را بیش از پیش جدی بگیرند؛ چرا که حذف هاشمی رفسنجانی از عرصه سیاست در نظام جمهوری اسلامی، می تواند سرآغاز ورود نظام سیاسی ایران به شیئی تاریک باشد که گردابی هایل را در دل خود دارد. هم از این روست شاید که راستگرایان برجسته ای چون علی مطهری و محمد رضا باهنر، علیرغم انتقاداتی که به هاشمی دارند، در شرایط کنونی ترجیح می دهند بر طبل تضعیف و تحقیف هاشمی نگویند تا نظام جمهوری اسلامی با بحران نوپدید ناپیدا و فرجام تازه ای مواجه نشود. باری هاشمی رفسنجانی دیگر از "موضع قدرت" سخن نمی گوید. او در خطبه های نماز جمعه آشکارا از موضع ناصح دلسوزی سخن می گفت که کلامش نفوذ و نفاذ چندانی در مراکز اصلی قدرت ندارد و خودش نیز امید چندانی ندارد که سخنانش به گوش هوش و از موضع قبول شنیده شود. هاشمی که در نیمه خرداد ۱۳۴۲ مبارزه خود را برای برپایی حکومت اسلامی در کنار رهبر انقلاب اسلامی (امام خمینی) آغاز کرده بود، در نیمه خرداد ۱۳۸۸ ناگزیر شد که با نگارش نامه ای سرگشاده به رهبر جمهوری اسلامی (آیت الله خامنه ای)، نسبت به خطرات پیش روی نظام اسلامی و مشکلات حفظ میراث امام، تذکار و هشدار دهد. اکبر هاشمی رفسنجانی این روزها بیش از پیش از خانه قدرت به در آمده و لذت محبوبیت نزد ملت را تجربه می کند. هم از این رو خطبه های نماز جمعه اخیر تهران به پرمخاطب ترین خطبه های نماز جمعه ایران در چند سال گذشته و به خطابه ای خطیر و خاطره انگیز در کارنامه سیاسی خطیب کارگشته انقلاب اسلامی بدل شد.▲

محبوبیت بی نظیر سیاسی، توانسته بود بر پای قانون شکن آنان، بند قانون گرای بی نهد. اینکه چه محاسباتی میر حسین موسوی را به عرصه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ کشاند، به درستی معلوم نیست؛ چه میر حسین هیچگاه تصریحی در این باب نداشته است که چرا علیرغم حضور خاتمی در صحنه انتخابات، دامن ز پای برگرفت و به قصد کسب ریاست دولت، کمر همت راست کرد. ورود عجیب موسوی به انتخابات ریاست جمهوری دهم، وقوع حوادثی عجیب تر در فضای سیاسی کشور را نیز در پی داشت. پس از اعلام نتیجه انتخابات، که با تایید مقامات عالی رتبه کشور نیز همراه بود، موسوی نه از در پذیرش که از در اعتراض درآمد و صریحاً عدم تمکین خود را نسبت به تاییدات عالی انتخابات اعلام کرد. موسوی در حال حاضر نه تنها در حال پوست اندازی سیاسی است و آشکارا نمایندگی مطالبات سیاسی طبقه متوسط جدید در جامعه ایران را بر عهده گرفته است، بلکه گونه ای تازه از اقتدار و رهبری سیاسی در خارج از ساختار قدرت را نیز تجربه می کند؛ بدین معنا که علیرغم حرکت فراقانونی سیاسی اش و نیز علیرغم اغتشاش گر قلمداد شدن نیروهای اجتماعی هوادارش، به دلیل برخورداری از قدرت اجتماعی، نوعی امنیت و مصونیت را نیز فراچنگ آورده است؛ امنیتی که برای معترضی از این دست در نظام سیاسی ایران، سابقه چندانی نداشته است. در واقع راست رادیکال در شرایط کنونی ترجیح می دهد چهره های سیاسی و مطبوعاتی حامی موسوی را روانه زندان کند و با نیروهای اجتماعی هوادار موسوی در خیابان های شهرهای بزرگ و بخصوص تهران زورآزمایی کند ولی هزینه برخورد با خود موسوی را متحمل نشود. در چنین شرایطی پرسش از آینده سیاسی میر حسین موسوی در نظام جمهوری اسلامی ایران، پرسشی جالب و قابل تامل به نظر می رسد. در شرایط فعلی، به طور کلی دو گزینه کلان در پیش روی موسوی قرار دارد: ۱- سکوت و انفعال